

بسمه تعالی

جغرافیای شهری و گردشگری

گردآورنده: دکتر علی نجفی

09123824577

جغرافیای شهری چیست؟

در منابع علمی تعاریف مختلفی در رابطه با جغرافیای شهری بیان شده است که به ذکر چند مورد از آنها می‌پردازیم:

1- جغرافیای شهری روی «نظام فضایی» و «موقع شهر» تأکید دارد و نظیر سایر شاخه‌های علم جغرافیا، علل پراکندگی مکان‌های شهری، تشابهات و تناقضات اجتماعی-اقتصادی میان آنها را در ارتباط با شرایط مکانی مطالعه می‌کند.

بر اساس تعریف فوق، جغرافیای شهری موارد زیر را تأکید می‌نماید:

- نظام داخلی شهرها و ماهیت الگوها به ویژه کاربری زمین و حوزه‌های اجتماعی در شهرها.
- بررسی روند این الگوها و شکل‌گیری آنها در طول زمان.

2- جغرافیای شهری درباره الگوهای فضایی پدیده‌های شهری، از نظر پراکندگی فضایی و نیز تأثیر متقابل فضایی آنها را مطالعه کرده و همچنین روندها را در داخل شهرها بررسی می‌کند.

3- جغرافیای شهری، مطالعه جغرافیایی از شهرنشینی و حوزه‌های شهری است. در واقع، در جغرافیای شهری، در یک طرف جغرافیای سیستماتیک (نظام یافته) و در سمت دیگر جغرافیای ناحیه‌ای قرار می‌گیرد. پایگاه جغرافیای شهری میان این دو شاخه اصلی جغرافیا قرار دارد.

برنامه ریزی شهری

به طور کلی از زمانیکه بشر برای شناسایی محیط اطراف و تسهیل در امر زندگی و رفع مشکلات و نیازهای خود به تکاپو پرداخت در حقیقت دست به یک نوع برنامه ریزی زد. در حال حاضر نیز با توجه به وجود جمعیت رو به افزایش امروزی استفاده از منابع طبیعی و به کارگیری امکانات اقتصادی فیزیکی و اجتماعی به منظور رفاه و ارتقاء سطح زندگی بشری، نیاز به برنامه ریزی از جمله ضرورت‌هایی است که می‌توان به وسیله آن در دستیابی به هدفها به موقعیتهای مطلوبی نائل آمد. در صورتیکه بخواهیم تعریفی کلی از برنامه ریزی داشته باشیم می‌بایستی برنامه ریزی را عبارت از کوششی در جهت انتخاب بهترین برنامه‌ها در جهت رسیدن به هدفهای مشخص بدانیم که ممکن است این کوششها و برنامه‌ها تا مرحله نهایی هدف نیز پیش نرود بلکه گامهایی در جهت رسیدن به آن باشد

امروزه شهرها به صورت مجموعه‌ای واحد هستند که مانند انسان دارای خصایص و ویژگیهای زندگی است. شهرها پیوسته در حال تغییر و تحول با خود کمبودها، مسائل و مشکلات، محدودیتهای و نیازهایی را به همراه دارند رفع کمبودها و نیازها و حل کردن مسائل و مشکلات، با برنامه ریزی دقیق و اصولی شروع میشود. بنابراین با پرداختن به کمبودها، نیازها و محدودیتهای و با توجه به مسائل و مشکلات، هدف اساسی برنامه ریزی امکان تعیین و تبیین یافته،

شهر را در مسیر حرکت مشخص قرار خواهد داد. از این رو در فرآیند توسعه شهر، لزوم جایگاه برنامه ریزی بیش از پیش احساس میشود.

جنبه‌های فضایی توسعه شهری از دو دیدگاه بررسی می‌شود: الف) درون شهری:

در این قسمت، شهر به عنوان یک پدیده مجزا و منفک در سیستم سکونتگاهی مطالعه می‌شود که مباحثی مثل: کیفیت کاربری زمین، مورفولوژی شهری و کارکرد شهر از آن جمله است.

ب) برون شهری یا تأثیرات متقابل فضایی یک حوزه شهری در حوزه شهری دیگر:

در اینجا تأثیرات مادر شهرهای جهانی در مادرشهرهای ملی، ناحیه‌ای و تأثیرات شهر مسلط به سایر شهرها و نواحی کشور و وابستگی فضایی شهر و ناحیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم پراکندگی فضایی در جغرافیای شهری:

پراکندگی فضایی یعنی شکل‌گیری پدیده‌های شهری در سطوح خطی، شبکه‌ای، سطحی و نظایر آن می‌باشد و در آن تأثیر متقابل فضایی، آمد و شد روزانه از محل کار به مرکز خرید، جابجایی محله مسکونی و مسکن در داخل شهرها و موضوعاتی از این قبیل بررسی می‌شود.

قلمروهای جغرافیای شهری:

شهرنشینی و شهرگرایی، سکونتگاه‌های انسانی را شکل دوباره می‌بخشد. شهرنشینی علت و محصول تغییرات مهمی است که از پراکندگی جغرافیایی مردم و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی آنها در مکان ویژه‌ای به وجود می‌آید. شاید بتوان پدیده شهر و شهرنشینی را بدین شرح مورد بررسی قرار داد:

1- شهرنشینی به منزله تسلط امر تراکم در همه سازمان‌ها، مؤسسات، واحدهای مسکونی و افزایش جمعیت مکان‌های ویژه.

2- شهر به عنوان کانون اصلی عرضه خدمات به جمعیت متراکم در شهر و منطقه نفوذ آن.

3- شهر به عنوان تمرکز فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی در سکونتگاه‌های انسانی.

4- شهرنشینی به عنوان تسلط شیوه خاص زندگی و بیانگر سیر مدنیت و تمدن جوامع انسانی.

در دوره‌های گذشته به طور سنتی جغرافیای شهری از موقع، موضع، وسعت، شکل، کارکرد، مورفولوژی و سازمان‌های داخلی شهرها بحث می‌کرد. اما به موازات توسعه شهرها، افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، ظهور مسائل گوناگون و پیچیده اجتماعی-اقتصادی در داخل شهرها، ورود شهرهای بزرگ جهان سوم به سیستم اقتصادی جهانی ابعاد تازه‌ای در جغرافیای شهری به وجود آمد و تحلیل دقیق سیاسی و اجتماعی را در قلمرو جغرافیای شهری سبب گردید. امروزه جمعیت‌یابی شدید شهرها به همراه مسائل اجتماعی-اقتصادی آنها شکل کاملاً تازه‌ای از شهر، شهرنشینی و شهرگرایی به وجود آورده است، از این رو امروزه، در بررسی‌های جغرافیایی شهرها، از ایدئولوژی حاکم بر شهرها، تحلیل تصمیمات حکومتی در ارتباط با خلق فضای فیزیکی و اجتماعی شهرها وابستگی به اقتصاد جهانی برای بررسی مسائل مهم شهرهای جهان سوم، عدالت اجتماعی، کیفیت دسترسی مردم شهرها به نیازهای اساسی، مکان‌گزینی همه سازمان‌ها و تأسیسات شهری نظیر کارخانه‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها، مناطق مسکونی، مناطق تجاری و صنعتی، مناطق فرهنگی، فرودگاه‌ها و ترمینال‌های مسافربری، مدارس، درمانگاه‌ها، منطقه گذران اوقات فراغت، حوزه‌های اجتماعی، علل دو قطبی شدن جهان سوم و دهها موضوع شهری در ارتباط با فضای شهری سخن به میان می‌آید. از این رو، جهت‌گیری جغرافیای شهری، برای ورود به قلمروهای تازه، کاملاً با اقتصاد سیاسی و نظام‌های حکومتی پیوند می‌خورد.

بر خلاف سابق که مکان‌های شهری در برابر مکان‌های روستایی مورد بررسی قرار می‌گرفت، امروزه سیستم‌های شهری به صورت حوزه‌های مادرشهری، منطقه شهرنشین، مجموعه‌های شهری و بالاخره به شکل مگالاپلیس (Megalopolis) ظاهر می‌شوند که در تمام آنها مادرشهرها، شهرهای بزرگ، شهرهای میانی، شهرکها و روستاها، در داخل مجموعه‌ها و سیستم‌های سلسله مراتبی قرار می‌گیرند و یک واحد منسجم و به هم پیوسته شهری را تشکیل می‌دهند که از شرایط سیستمی تأثیر می‌پذیرند و برخورداردی سیستمی می‌طلبند.

این سیستم شهری و سلسله مراتبی نه تنها به ناحیه جغرافیایی شهر سامان می‌دهد بلکه در جهان سوم از سیستم‌های مادر شهرهای جهانی شدیداً نیرو می‌گیرند؛ پس امروزه در جغرافیای شهری، درباره شهرها با توجه به ناحیه شهر و رابطه آن با دیگر نواحی جغرافیایی جهان مطالعه می‌گردد و ابعاد جغرافیای شهری با سیاستهای جهانی و ناحیه‌ای پیوند داده می‌شود.

در جغرافیای شهری سنتی، روی شرایط طبیعی، موقع و یا تنها به مورفولوژی شهرها تأکید می‌شد. امروزه در جغرافیای شهری، از شرایط فیزیکی حاکم بر شهرها دور می‌شود و به جای آن، همه پدیده‌های شهری در ارتباط با ایدئولوژی اهداف نظام‌های حکومتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، زیرا محیط ساخته شده شهری و ساخت فضایی از سیاست نظام‌های حکومتی منشأ می‌گیرد و گروه‌های انسانی و فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی آنها را در نقاط معین شهری جای می‌دهد. به سخن روشن، در زمان ما، این ساخت طبیعت شهر نیست که ساخت داخلی

شهرها و مورفولوژی آنها را شکل می‌دهد بلکه این شرایط داخلی داخلی شهرها متأثر از ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی نظام حاکم بر کشورها است که کیفیت کاربری زمین و سیاستهای برنامه‌ریزی شهری را تعیین می‌کند. از این رو جغرافیای شهری جدید، با تحلیل ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی کشورها، ساخت فضایی شهرها را بررسی می‌کند، و در نهایت ملاحظه می‌شود که ارزش‌های اجتماعی، متأثر از تفاوت‌های فرهنگی، مورفولوژی شهری و شرایط زندگی در شهرهای بزرگ را به شکل‌های گوناگون سامان می‌دهد.

در زمان حاضر تغییرات اجتماعی و اقتصادی سریع تر از تغییرات فیزیکی صورت می‌گیرد و محیط زیست انسانی نه از تغییرات فیزیکی بلکه از تغییرات اجتماعی تأثیر فوری می‌پذیرد. مطالعه و تحلیل این تغییرات اجتماعی-اقتصادی در ارتباط با ساخت فضایی شهر مورد تأکید جغرافیای شهری می‌باشد. از این رو امروزه در جغرافیای شهری، مفاهیم رشد و توسعه شهر به عنوان فرآیند اجتماعی و سیاسی بیش از سایر موضوعات بررسی و مطالعه می‌شود.

ابعاد اجتماعی و اقتصادی جغرافیای شهری:

در زمان حاضر، جغرافیای شهری، ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیقی به خود گرفته است و در این راستا، حتی برخی از جغرافیدانان به ابعاد فضای شهری اهمیت کمتری می‌دهند. بدین سان که جغرافیدانان شهری به تحلیل رویدادهای شهری و کیفیت زندگی مردم بیش از ماهیت فضایی شهر اهمیت می‌دهند؛ زیرا این روند سیاسی و اقتصادی است که پیکربندی‌های فضایی شهر را سامان می‌بخشد و شهرهای متفاوتی را به وجود می‌آورند. از طرفی عده‌ای از جغرافیدانان نیز علاوه بر به کارگیری نظریه‌های اجتماعی، مکتب‌های فلسفی و جامعه‌شناسی را نیز وارد مطالعات جغرافیای شهری می‌کنند. پس لازم است که در تحلیل روابط میان فعالیت‌های انسانی و ساخت فضایی شهر از طریق مکتب‌های سیاسی و تحلیل نیروهای جهانی به بررسی پرداخت تا تفاوت‌ها و قطب‌بندی‌های فضایی-مکانی کاملاً شناخته شود.

بین‌المللی شدن سرمایه، تنها یکی از ابعاد جدید ساخت جهانی است که قادر است در تجدید سازمان فضایی تولید به همراه تکنولوژی پیشرفته حمل و نقل و ارتباطات مکان‌یابی مجدد تولید را از طریق اقتصاد جهانی عملی سازد. بدینسان ملاحظه می‌شود که رقابت‌های مادرشهرهای جهانی به آینده اقتصاد سیاسی ملی و اقتصاد سیاسی بین‌المللی وابسته می‌گردد.

نتیجه آنکه عامل اصلی در ساخت شهرها با تصمیمات سیاسی در سطح محلی و جهانی ارتباط پیدا می‌کند. به سخن دیگر هر فضای جغرافیایی، هر چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته شده، از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و جهانی تأثیر می‌پذیرد و شکوفایی، رکود و توقف اقتصادی، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم در شهرها با شرایط فوق ارتباط پیدا می‌کند. این شرایط می‌تواند شهرها را به صورت دو قطبی در آورد

که در یک سمت آن، منطقه پر رفاه قرار می‌گیرد و در طرف دیگر شهر، سالمندان کم درآمد، بی‌خانمانان شهری، اقلیتهای قومی - نژادی و منحرفین اخلاقی، در دنیایی جدا از منطقه پر رفاه شهر به زندگی خود ادامه می‌دهند.

وظایف اصلی جغرافیدان شهری

۱) آماده سازی زمین: به مجموعه فعالیتهای هماهنگ و ضروری در اراضی متعلق به سازمان زمین شهری گفته میشود که به منظور ایجاد امکان بهره برداری اراضی جهت احداث واحد های مسکونی و تاسیسات وابسته به آنها و رفع نیاز های عمومی صورت می‌گیرد. بر حسب ضرورت، شامل: تسطیح زمین، ایجاد شبکه های عبور و مرور، شبکه آبرسانی و فاضلاب، برق و ... می باشد.

- تعیین نقاط ثقل شهری و ایجاد تعادل میان مراکز جمعیتی

- تولید زمین در مقیاس انبوه برای پاسخگویی به نیاز فزاینده مسکن

- جلوگیری از احداث واحد های مسکونی در زمینهای مناسب برای کشاورزی یا توسعه صنعت

۲) تعیین مختصات جغرافیایی شهر:

- تعیین اختلاف ساعت محلی با ساعت مینا.

- تعیین زاویه تابش آفتاب بر عرضهای جغرافیایی مختلف

- نور سنجی فضاها ی ساخته شده و ابعاد و محل پنجره ها

۳) بررسی توپوگرافی سطح زمین:

- نقش عوارض طبیعی در گسترش شهر ها

- تعیین حوزه های آبخیز

- تعیین جهت خیابان ها به تناسب شیب دامنه ها

- شناسایی مراکز تفریحی و استراحتی در اطراف شهر

- شناخت نوع و محل گسلها برای نوع مصالح، تعداد طبقات ساختمان ها

- شیب مناسب جهت احداث بناها

۴) آب و هوا:

- چگونگی ساخت شهر بر اساس ضوابط اقلیمی

- انتخاب نوع و سبک بنا ها

- نحوه مکانیابی کاربریهای صنعتی، مسکونی و...

- انتخاب محل فرودگاه و تعیین جهت باند فرودگاه

۵ (منابع آب):

- تامین آب مورد نیاز شرب و باغبانی در شهرها

- شناسایی حوزه های آبخیز آبهای سطحی

- هدایت و کنترل آبهای سطحی در سطح خیابانها و گذرگاه های شهری بر اساس وضعیت شیب

- احداث دریاچه های مصنوعی با جمع آوری آبهای سطحی

- تخلیه آبهای سطحی

- علم جغرافیا در ابتدای تولد خود تحت تأثیر **مکتب پوزیتویسم** قرار داشته است (مکان یابی) که بیشتر **سیستم**

شهری و **ساخت شهر** و نظریه های مکانی مد نظر بوده است ولی از دهه ۱۹۸۰ میلادی، دو مکتب بیش از

همه **جغرافیای شهری** را تحت تأثیر قرار داده است:

۱- مکتب ساختار گرایان:

این مکتب بیش از آن که ساختار شهر و مکانیابی آن را مد نظر داشته باشد، به عدالت اجتماعی - اقتصادی تأکید

دارد و این مکتب به سوی عدالت اجتماعی پیش می رود.

۲- مکتب رفتار گرایان:

این مکتب بیشتر به تحلیل **سازمان فضایی** و **رفتار فضایی** در داخل شهرها می پردازد.

در این راستا می وان گفت جغرافیای شهری محیط شهری را با همه ابعاد خود مورد بررسی قرار می دهد.

سطوح تحلیلی در جغرافیای شهری

بنا به نظریات دیوید هربرت و دیوید اسمیت سطوح جغرافیای شهری عبارتند از:

۱- اقتصاد سیاسی و جغرافیای شهری (متأثر از مکتب ساخت گرایی):

در این نظریه در ارتباط با تحلیل فضاهای جغرافیایی، ساخت های اجتماعی از ساخت های فضایی جدا در نظر گرفته نمی شود. کلید واژه های این نظریه (اقتصاد بازار، رفاه اجتماعی، شیوه تولید)

۲- تحلیل تخصیص منابع و جغرافیای شهری

۳- مدیران شهری و جغرافیای شهری

۴- محیط محلی و جغرافیای شهری (رفتار گرایی)

- در آمریکا حومه نشینی بیشتر از شهرنشینی و روستانشینی ارزشمند است.

- برنامه ریزی فیزیکی: شامل نظام **منطقه بندی** و **کاربری زمین**، خانه سازی، تأمین حمل و نقل و تسهیلات عمومی و عملکردهای مربوط به آنهاست.

- برنامه ریزی اقتصادی: برنامه ریزی در جهت دستیابی به شغل و درآمد برای اقشار مختلف جامعه می باشد.

- برنامه ریزی اجتماعی: در جهت قطع دور تسلسل فقر در خانواده ها حرکت می کند.

هنگام تحلیل اکولوژیک شهرها دو عامل جغرافیای شهری را تحت تأثیر قرار می دهد:

۱- جستجوی سود بیشتر

۲- عامل رقابت

درآمد خالص ملی = درآمد ناخالص ملی - هزینه استهلاک

نظریه ژرژ کهل : در ارتباط با موقع، رشد و پراکندگی فضایی سکونتگاه های شهری (برای اولین بار در تاریخ علم جغرافیا) به شکل زیر نظر داده است :

(او تفاوت های اجتماعی و اقتصادی را عامل تفاوت مورفولوژیکی شهر می دانست)

تجاری	اقتصادی	مورفولوژی
سازمان های اداری و تجاری	طبقه بالا	مرکز شهر
بخش مالی و پولی و خدمات و بنگاه های کوچک	گروه ممتاز	دایره اول
خرده فروشی و بنگاه های کوچک	قشر بالای طبقه متوسط	دایره دوم
بنگاه های کوچک و باغداری	قشر پایین طبقه متوسط	دایره سوم
صنایع	قشر پایین کارگران	دایره چهارم

- فریدریک راتزل: از بزرگان **مکتب جبر جغرافیایی** (محیط گرایی) می باشد که برای اولین بار به تعریف علم جغرافیا می پردازد.

- در قرن بیستم. علم جغرافیا با عنوان علم اکولوژی انسانی مطرح می گردد.

- نظریه اتواشلتور: وحدت جغرافیای طبیعی و انسان باعث تبیین و واقعی سطح زمین می شود.

پاتریک گدس : نقش شرایط اکولوژیک در برنامه ریزی فیزیکی شهرها (یکی از پایه گذاران برنامه ریزی کالبدی می باشد) را مورد تأکید قرار می دهد. پاتریک گدس در برنامه ریزی کالبدی به زندگی اجتماعی اعتبار بیشتری می بخشد.

شاگردان پاتریک گدس: **مامفورد** (متخصص شهرهای متروپلیتن)، ابرکرومبی و جفرسون

پاتریک گدس اولین بار از اصطلاح **مگالاپلیس** استفاده کرد.

- انقلاب کمی ابتدا در آمریکا و سپس در انگلستان صورت می گیرد.

- نظریه مکان کشاورزی از **فون تونن** می باشد.

- نظریه مکان مرکزی از **والتر کریستالر**

- نظریه مکان عمومی از **آگوست لوش**

- کتاب **عدالت اجتماعی و شهر از دیوید هاروی** می باشد.

- **مکتب شیکاگو**: از اعضای این مکتب **ارنست برگس و رابرت پارک** می باشند. اساساً این مکتب، یک

مکتب **جامعه شناسی** می باشد.

- نظریه پخش پدیده های جغرافیایی از تورنسن هاگر استرنند می باشد.

- نظریه وابستگی به وسیله آندره گندره فرانک و سامیرامین مطرح می گردد. (وابستگی سیستم های شهری در

شهرهای جنوب به مادرشهرهای کشورهای توسعه یافته)

سطوح تحلیلی در جغرافیای شهری

دیوید هربرت و دیوید اسمیت، جغرافیدانان معروف انگلیسی، در تحلیل مسائل **جغرافیای شهری** از سطوح

چهارگانه ای نام می برند که فشرده ای از نظریات آنها بدین شرح است:

۱- اقتصاد سیاسی و **جغرافیای شهری**:

در این نگرش، تأکید روی ایدئولوژی ها، ارزش ها و سنت های یک جامعه و اساس اقتصادی آن در مسائل شهری از

الویت خاصی برخوردار می باشد در این دیدگاه، مرزهای رشته جغرافیا کمتر مورد نظر می باشد و هدف اصلی

ریشه یابی مسائل و راه های حل آن مورد توجه است. روشن است که دیدگاه اقتصاد سیاسی در **جغرافیای**

شهری مسائل جامعه شهری را به صورت گسترده و با تأکید در شیوه تولید مسلط بر آن به تحلیل می‌کشد. چنین تحلیلی، جغرافیای شهری را در ردیف مطالعات چند رشته‌ای قرار می‌دهد. در این مکتب، نیروهای به وجود آورنده مسائل شهری در جهت حل مسائل جامعه شهری، تعدیل و یا حذف می‌شوند بدینسان که از تحلیل اقتصاد سیاسی که از مسائل شهری به عمل می‌آید تنها روی سه عامل مهم تأکید می‌شود:

(I) اقتصاد **بازار**؛ (II) رفاه اجتماعی؛ (III) شیوه تولید.

به نظر جغرافیدانان معتقد به مکتب اقتصاد سیاسی – که فعالترین جغرافیدانان معاصر دنیا را تشکیل می‌دهند – در تحلیل فضاهای جغرافیایی، ساختهای اجتماعی را نمی‌توان از ساختهای فضایی جدا کرد.

۲- تحلیل تخصیص منابع و جغرافیای شهری:

در این دیدگاه، تخصیص منابع و قدرت، شامل تولید کالا، مقدار کالا، کیفیت توزیع کالا میان مصرف‌کنندگان، انتخاب الگوی مناسب تولید و توزیع کالا، تأثیر شرکت‌های چند ملیتی در تخصیص منابع. سنجش کارایی بخش خصوصی، میزان دخالت و نظارت دولتها در تخصیص منابع، کیفیت عرضه خدمات، اهداف اجتماعی – اقتصادی و بالاخره میزان رضایت مردم از تخصیص منابع مورد مطالعه قرار گرفته و از توزیع قدرت میان گروه‌های مختلف جامعه صحبت می‌شود، زیرا قرار گرفتن قدرت در دست عده‌ای در تخصیص منابع به گروه معینی تأثیر می‌گذارد. در این سطح، میزان قدرت بخش عمومی و بخش خصوصی در شناخت کیفیت زندگی مردم شهرها به طور جداگانه مطالعه می‌شود، تا میزان هزینه‌های عمومی در رفاه اجتماعی جامعه شهری به خوبی تعیین گردد. روشن است که تخصیص هزینه‌های دولتی به احداث بزرگراه‌ها مکان‌گزینی صنعتی، ایجاد پارک‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و نظایر اینها به حل بسیاری از مشکلات مردم شهری می‌انجامد. البته در صورت تخصیص این منابع به شهرهای بزرگ **جهان** سوم، مسائل تازه‌ای در سیستم‌های شهری کشورهای **جهان** سوم به وجود می‌آید. بنابراین تحلیل عمیق تخصیص منابع می‌تواند به تعادل بخشی از پراکندگی و تراکم جمعیت و کارکردها در جامعه شهری یک کشور و نواحی جغرافیایی آن بیانجامد و از بسیاری از نارسایی‌ها و کمبودها بکاهد. در این دیدگاه، کارکرد دولتها، میزان سرمایه‌گذاری در نیازهای اساسی مردم، تأمین هزینه‌های لازم بر نظارت بر مؤسسات مالی و شرکت‌های بزرگ و نحوه تأثیرگذاری این عوامل بر کیفیت زندگی مردم شهرها و فضایی شهری مورد بررسی واقع می‌شود. به موازات تحلیل شرایط بالا، توان نیروهای خارجی تأثیرگذار، جریان پول به وسیله بازارهای بین‌المللی پول، تصمیم به سرمایه‌گذاری در جهت سودیابی‌های بین‌المللی و ثبات سیاسی در کشورها که همه به نحوی در ساختارهای شهری – ناحیه‌ای مؤثر می‌افتد، مورد تأکید قرار می‌گیرد. چنانکه ممکن است در اثر ورود تکنولوژی سرمایه‌بر، کارگران کارخانه‌های محلی بیکار شوند و یا هزینه‌های مصرفی برای ساختمان واحدهای

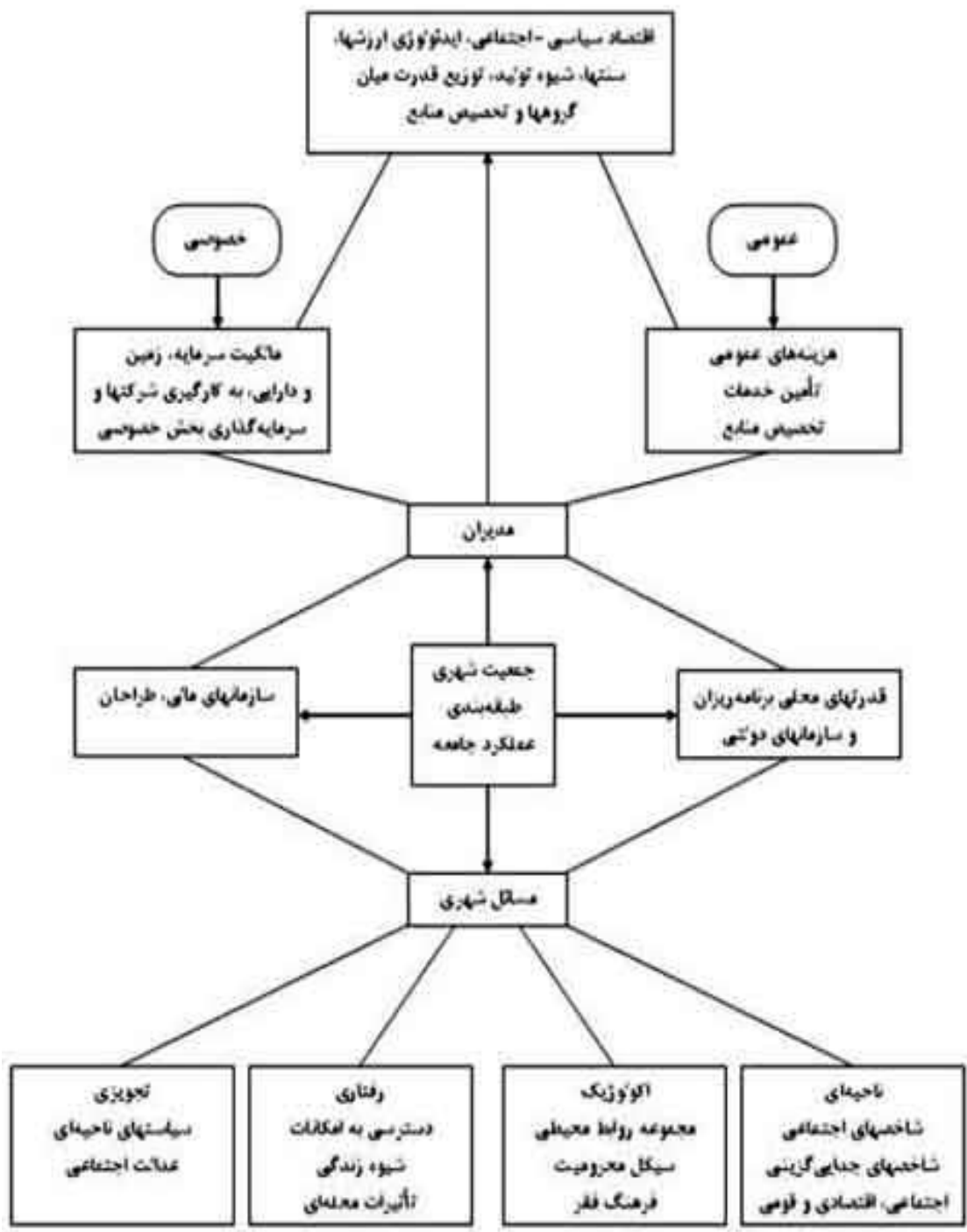
مسکونی کاهش یابد. پس کنترل و یا عدم کنترل جریان پول می تواند فضای شهری- ناحیه ای ویژه ای خلق کند و شرایط زندگی خاصی را بر جامعه شهری تحمیل نماید.

۳- مدیران شهری و جغرافیای شهری

در سطح سوم از تحلیل، بر نقش تصمیم گیری های کلیدی در زمینه مسائل شهری تأکید می شود که در اینجا منظور از تصمیم گیرندگان، همانا مدیران و مسؤولان سازمان های شهری می باشد، بدینسان که مدیران شهری به مسؤولانی اطلاق می شود که در سیستم تخصیص منابع، تصمیمات آنها، محیط زیست شهری خاصی می آفریند. هر چند که تصمیمات آنها در داخل یک سیستم مشخص سیاسی یا اقتصادی صورت می گیرد. اما در هر حال تصمیمات این عده در سطوح محلی تأثیر گذار می باشد.

۴- محیط محلی و جغرافیای شهری

در این دیدگاه، سطح چهارم از تحلیل، بیشترین بخش تحقیقات جغرافیای شهری صورت می گیرد. بدینسان که نتایج اجتماعی و فضایی حاصل از عوامل تأثیر گذار به روشنی تبیین می شود و می توان شاخص های اجتماعی، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهر را تحلیل کرد. با در نظر گرفتن چهار تحلیل فوق، می توان گفت که امروزه در جغرافیای شهری، نمی توان به مرزهای ثابتی دست یافت و شاید جغرافیای شهری به یک رشته علمی میان رشته ای بیشتر نزدیک باشد. از این رو، مدل ها و نظریه های آن همواره در مسیر تغییر و تکامل می باشد.



۱

۲

۳

۴

زیرساخت (به انگلیسی Infrastructure): عبارت است از امکانات، سامانه‌ها و بناهایی که به یک شهر یا کشور خدمت‌رسانی می‌کنند، مانند راه‌ها، مدارس و زیرساخت‌های آموزشی¹. این واژه در زمینه‌های متفاوت معانی گوناگونی می‌دهد و ممکن است اشاره به زیرساخت نرم یا سخت باشد. اما واژه زیرساخت بیشتر جهت اشاره به زیرساخت شهری مانند جاده‌ها، پل‌ها، شبکه آب و فاضلاب دارد. این سازه‌های گوناگون معمولاً زیرساخت عمومی نامیده می‌شوند، اگرچه ممکن است به عنوان **بخش خصوصی** یا تشکیلات اقتصادی دولتی گسترش یافته و اداره شوند. ممکن است در دیگر موارد کاربردی، زیرساخت جهت اشاره به **فناوری اطلاعات**، کانال‌های غیررسمی و رسمی ارتباطات، ابزارهای گسترش نرم‌افزاری، شبکه‌های سیاسی و اجتماعی، یا اعتقادات مشترکی که اعضای گروه‌های خاص حفظ کرده‌اند؛ به کار رود.

با این وجود به طور کلی می‌توان گفت که زیرساخت تشکیلات ساختاری را فراهم آورده و سامانه یا سازمان خادم را حمایت می‌کند، خواه این سامانه یک **شهر**، یک **ملت**، یا یک **اجتماع** باشد. زیرساخت‌های عمومی از دیرباز وجود داشته‌اند اما گسترش سریع و همه‌جانبه آن‌ها پس از جنگ‌های جهانی و مسائل مدیریتی به وجود آمده باعث شد اهمیت بیشتری پیدا کنند.

کشاورزی شهری

طبق تعریف به هر گونه کشاورزی در محیط‌های شهری، **کشاورزی شهری** گویند. کشاورزی شهری شامل مجموعه‌ای پیچیده و متنوع از فعالیت‌های تولید مواد غذایی، از جمله شیلات و جنگلداری است که در داخل یا حاشیه شهرها انجام می‌گیرد.

ایده تولید غذای تکمیلی فراتر از عملیات کشاورزی روستایی مفهومی جدید نیست. در شهرهای نیمه بیابانی ایران قدیم، واحه‌ها از طریق **قنات‌هایی** که آب کوهستان را حمل می‌کردند تغذیه می‌شدند تا از تولید فشرده مواد غذایی حمایت کنند. در **ماچوپیچو** (پرو)، بسترهای گیاهی پلکانی (تراس بندی) برای استفاده بهتر از نور خورشید و طولانی‌شدن فصل رشد طراحی شد، و آب مصرفی شهر، صرفه جوئی و استفاده دوباره می‌شد. کشاورزی شهری، چه در زمان جنگ و رکود و کمبود مواد غذایی، و چه در زمان فراوانی نسبی استفاده می‌شد. باغ‌های اختصاصی در آلمان، در اوایل قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به فقر و ناامنی غذایی پدید آمدند. در طول جنگ جهانی اول، رئیس‌جمهور آمریکا، **وودرو ویلسون**، از همه شهروندان خواست تا از هر فضای آزاد جهت تولید غذا استفاده کنند

تا جائی که در سال ۱۹۱۹، بیش از ۵ میلیون قطعه زمین زیر کشت بود و بیش از ۵۰۰ میلیون پوند محصول برداشت می شد

منطقه شهری

منطقه شهری منطقه‌ای با ویژگی تراکم جمعیت انسانی بالا و امکانات انسان‌ساخته فراوان در مقایسه با مناطق اطراف آن است. مناطق شهری ممکن است یک شهر یا شهرک باشد اما این اصطلاح معمولاً به زیستگاه‌های انسانی با تعاریف محدوده روستایی از جمله روستاها و آبادی‌ها گفته نمی‌شود. یک منطقه شهری، مقداری کوچکتر از منطقه کلان‌شهری و بخشی از آن است.

جمعیت شهری در جهان در سال ۱۹۵۰ تنها ۷۴۶ میلیون نفر بود که در دهه‌های پس از آن افزایش یافته است.^۱ در حدود ۷۰۱ میلیارد نفر در زمین زندگی می‌کنند.^۲ در سال ۲۰۰۹، شمار مردم ساکن در مناطق شهری (۳،۴۲ میلیارد نفر) از تعداد افراد ساکن در مناطق روستایی (۳،۴۱ میلیارد نفر) پیشی گرفته و جهان از روستا نشینی به شهرنشینی رو آورده است.^۳ این نخستین بار است که بیشتر جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند تا در روستاها.^۴ مناطق شهری با روند شهرنشینی ایجاد شده و توسعه یافته‌اند. اندازه‌گیری حدود یک منطقه شهری، در تجزیه و تحلیل تراکم جمعیت و روند گسترش شهرها و نیز در تعیین جمعیت شهری و روستایی اهمیت دارد. یک منطقه کلان‌شهری می‌تواند شامل نه تنها یک منطقه شهری، بلکه شهرهای حومه آن و شهرهای روی نقشه که به لحاظ اجتماعی-اقتصادی با هسته مرکزی آن شهر رفت‌وآمد دارند باشد.

جامعه‌شناسی شهری یکی از زیر شاخه‌های جامعه‌شناسی است که به مطالعه زندگی و تعاملات انسان در مناطق شهری می‌پردازد. جامعه‌شناسی شهری پس از مشاهده و مطالعه مجموعه‌ای از داده‌ها همچون فرایندها، تغییرات و مشکلات به طرح قوانین و برنامه‌های گوناگون برای آنها می‌پردازد. در واقع جامعه‌شناسی شهری مطالعه جامع شناسانه شهرها و نقش آنها در توسعه و پیشرفت جوامع است. به مانند دیگر شاخه‌های جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی شهری نیز از پردازش و تحلیل آماری، مشاهده، نظریه، مصاحبه و دیگر روش‌ها جهت مطالعه طیف گسترده‌ای از موضوعات از جمله مهاجرت، روند جمعیتی اقتصاد، فقر و ارتباط بین نژاد و اقتصاد بهره می‌جوید.

پایه‌های جامعه‌شناسی شهری مدرن از کارهای جامعه‌شناسانی همچون [کارل مارکس](#)، [فردیناند تونیز](#)، [امیل دورکیم](#)، [ماکس وبر](#) و [گئورگ زیمل](#) که به مطالعه و نظریه پردازی دربارهٔ فرایندهای اجتماعی و فرهنگی شهرنشینی و اثرات آن بر روی ازخودبیگانگی، شکل‌گیری طبقات و تولید یا نابودی هویت فردی و جمعی پرداخته‌اند سرچشمه گرفته‌است.